

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه یاسوج

دانشکده علوم انسانی
گروه الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی

باز پژوهی مصادیق جرم مرکب (کلاهبرداری، جاسوسی و خیانت)
در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران

استاد راهنما:

دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله بهمن پوری

دانشجو:

مهدخت حسنی

زمستان ۱۳۹۳



دانشگاه یاسوج

بازپژوهی مصادیق جرم مرکب (کلاهبرداری، جاسوسی و خیانت) در فقه شیعه و حقوق
کیفری ایران

به وسیله‌ی:

مهدخت حسنی

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ
درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی

در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۱- استاد راهنما: دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی
امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۲- استاد مشاور: دکتر عبدالله بهمن پوری
امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۳- استاد داور داخل گروه: دکتر ابوالحسن بختیاری
امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۴- استاد داور خارج از گروه: دکتر عباس کلانتری
امضا	با مرتبه ی علمی (استاد یار)	۵- نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه: دکتر آرمان حیدری

بهمن‌ماه ۱۳۹۳

رساله حاضر، حاصل پژوهش‌های نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات -
فقه و مبانی حقوق اسلامی است که در بهمن ماه سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم انسانی
دانشگاه یاسوج به راهنمایی جناب دکتر ابوالفضل علیشاهی و مشاوره‌ی جناب دکتر
عبدالله بهمن پوری از آن دفاع شده است و کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی آن متعلق به
دانشگاه یاسوج است.

تقدیم به:

مادر عزیز و دلسوزم که همواره در طول
دوران تحصیل و طی نمودن مسیر پر
فراز و نشیب زندگی مرا مورد حمایت
مادی و معنوی خویش قرار دادند.

سپاسگزاری

گرچه زبان و قلم از ادای وظیفه ی قدردانی و حق‌گزاری عاجز است اما بر خود وظیفه می‌دانم که صمیمانه و خالصانه از حمایت‌ها و زحمات تمامی اساتید و دانشورانی که در دانش‌اندوزی و تحصیل بنده، نقش داشته‌اند، مخصوصاً استاد راهنما، محقق گرانمایه جناب آقای دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی و همچنین استاد مشاور ارجمند، جناب آقای دکتر عبدالله بهمن پوری که با راهنمایی‌ها و ارشادها و نکات سودمند خود در به ثمر رسیدن این رساله، مرا مورد لطف و عنایت خویش قرار دادند، تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم که از دوستان گرانقدر خویش، که در تدوین و تکمیل و نگارش این پایان‌نامه با راهنمایی‌های مفید و موثر خود همواره مرا مورد لطف قرار دادند، قدردانی نمایم.

جا دارد از دو خواهر زاده عزیزم طاهره کرمی و جمیله محمدی که در طول این چند ماه یاری و همراهی نمودند سپاس جدی خود را ابراز دارم.

در پایان برای همه ی عزیزان سلامتی، طول عمر با عزت، علو درجات و عاقبتی خوش از خداوند مَنَّان خواهانم. التماس دعا (با علی).

نام: مهدخت

نام خانوادگی: حسنی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته: الهیات - فقه و حقوق اسلامی

استاد راهنما: دکتر ابوالفضل علیشاهی

تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

بازپژوهی مصادیق جرم مرکب (کلاهبرداری، جاسوسی و خیانت)

در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران

چکیده:

جرم مرکب، یکی از اقسام جرم است. با وجود مصداق‌هایی از این نوع جرم، تنها مصداق شایع آن، جرم کلاهبرداری است. جرم مرکب هر چند تعریف صریحی از آن در متون فقهی نشده است؛ ولی در حقوق کیفری این جرم تعریف شده است. در تحقیق پیش رو علاوه بر جرم کلاهبرداری که در متون فقهی از آن به عنوان احتیال یاد شده است، موارد دیگری مورد بررسی قرار گرفته است که به نوعی می‌تواند مصادیقی از کلاهبرداری یا احتیال قلمداد شود گرچه با تعریف خاصی که از این جرم به عمل آمده است، مطابقت ندارد. ضمن اینکه در برخی از این مصادیق، مرتکب تنها دارای ضمان و مسئولیت مدنی بوده و در متون فقهی نیز برای او مجازات در نظر گرفته نشده است. در این تحقیق جرائمی همچون جرم جاسوسی و جرم خیانت در فقه و حقوق کیفری مورد بحث قرار گرفته است که هر کدام از این جرائم ترکیبی از انجام دو فعل می‌باشند و تا این دو فعل انجام نشود این جرائم عقیم می‌ماند و به نتیجه نهایی منجر نمی‌شود. در این تحقیق هر یک از موارد یاد شده در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژگان: جرم، جرم مرکب، کلاهبرداری، جاسوسی، خیانت.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	۱
۱- کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- بیان مساله	۲
۳-۱- سؤالات پژوهش	۳
۴-۱- فرضیه های پژوهش	۳
۵-۱- تاریخچه علمی پژوهش	۳
۶-۱- اهداف پژوهش	۴
۷-۱- روش پژوهش	۴
۱-۲- مفهوم جرم	۴
۱-۱-۲- جرم در لغت	۴
۲-۱-۲- تعریف اصطلاحی جرم از دیدگاه فقهان و حقوقدانان	۵
۲-۲- نسبت جرم و اثم	۵
۳-۲- جرم در آیات قرآن	۶
۴-۲- عناصر تشکیل دهنده جرم	۷
۱-۴-۲- عنصر قانونی جرم	۷
۲-۴-۲- عنصر مادی جرم	۷
۳-۴-۲- عنصر روانی جرم	۸
۵-۲- انواع جرم	۸
۱-۵-۲- جرم آنی (فوری) و جرم مستمر (مداوم)	۸
۲-۵-۲- جرم به عادت (اعتیادی)	۹
۳-۵-۲- جرم مشهود و جرم غیر مشهود	۹
۴-۵-۲- جرم مرکب	۹
۵-۵-۲- جرم ساده	۱۰
۱-۵-۵-۲- جرم ساده مقید	۱۱
۲-۵-۵-۲- جرم ساده مطلق	۱۱
۶-۲- شروع به جرم	۱۱
۷-۲- معاونت و شرکت در جرم	۱۲
۱-۷-۲- تفاوت معاونت و مشارکت در جرم	۱۴
۸-۲- مجازات مجرم	۱۵
۹-۲- اصل قانونی بودن جرائم	۱۵
۱-۳- کلاهبرداری (احتیال)	۱۶

۱۶	۱-۱-۳- تعریف لغوی احتیال
۱۶	۲-۱-۳- تعریف احتیال از دیدگاه فقهی
۱۶	۳-۱-۳- تعریف کلاهبرداری از دیدگاه حقوقی
۱۷	۲-۳- جاسوسی
۱۷	۱-۲-۳- معنای لغوی جاسوسی
۱۷	۲-۲-۳- تعریف جاسوسی از دیدگاه فقهی
۱۸	۳-۲-۳- تعریف جاسوسی از دیدگاه حقوقی
۱۸	۱-۴- خیانت
۱۸	۱-۱-۴- معنای لغوی خیانت
۱۹	۲-۱-۴- خیانت در امانت در متون فقهی
۱۹	۱-۲-۱-۴- خیانت در امانت مالی
۲۰	۲-۲-۱-۴- خیانت در امانت معنوی
۲۰	۳-۱-۴- خیانت از دیدگاه حقوقی
۲۱	۱-۵- واژه خیانت در آیات قرآن
۲۳	فصل دوم: کلاهبرداری در فقه شیعه و حقوق موضوعه
۲۳	۱-۲- منابع فقهی حرمت اکل مال به باطل
۲۳	۱-۱-۲- کتاب
۲۳	۲-۱-۲- سنت
۲۴	۳-۱-۲- عقل
۲۴	۴-۱-۲- اجماع
۲۵	۲-۲- عنصر فریب
۲۶	۳-۲- تدلیس
۲۶	۱-۳-۲- تدلیس در معاملات
۲۷	۲-۳-۲- ورود ضرر
۲۷	۳-۳-۲- خیار تدلیس
۲۷	۴-۳-۲- وجه تشابه و تمایز تدلیس در معاملات با احتیال
۲۸	۴-۲- حيله و اقسام آن
۲۹	۱-۴-۲- ارکان حيله شرعی
۳۰	۲-۴-۲- موافقان حيله های شرعی
۳۰	۳-۴-۲- مخالفان حيله های شرعی و بیان ادله
۳۲	۵-۲- معامله فضولی
۳۴	۱-۵-۲- تفاوت بین فضول در فقه با فروشنده مال غیر در حقوق کیفری
۳۵	۶-۲- معامله به قصد فرار از دین در فقه
۳۶	۷-۲- قصد فرار از دین در حقوق کیفری
۳۷	۸-۲- کلاهبرداری به عنوان جرم مرکب از منظر حقوق
۳۷	۱-۸-۲- کلاهبرداری در حقوق کیفری
۳۸	۹-۲- عناصر کلاهبرداری
۳۸	۱-۹-۲- عنصر قانونی
۳۸	۲-۹-۲- عنصر مادی

۳۹	۲-۹-۳- عنصر روانی
۳۹	۲-۱۰- شروع به جرم کلاهبرداری
۴۰	۲-۱۱- کلاهبرداری ساده و مشدد و مجازات کلاهبردار
۴۱	۲-۱۲- حصول نتیجه
۴۱	۲-۱۳- کلاهبرداری رایانه ای
۴۲	۲-۱۴- مرور زمان در جرم کلاهبرداری
۴۲	۲-۱۵- مصادیق کلاهبرداری
۴۳	۲-۱۵-۱- تبانی برای بردن مال دیگری
۴۳	۲-۱۵-۲- معرفی کننده مال دیگری به عنوان مال خود
۴۳	۲-۱۵-۳- علم به عدم وراثت
۴۳	۲-۱۵-۴- نداشتن پروانه بیمه
۴۴	۲-۱۶- نبود مصادیق کلاهبرداری
۴۴	۲-۱۷- مشارکت و معاونت در کلاهبرداری
۴۵	۲-۱۸- بررسی کلاهبرداری در مواد قانونی
۴۶	۲-۱۹- تدلیس در معاملات دولتی
۴۷	۲-۲۰- مقایسه کلاهبرداری با سرقت
۴۹	فصل سوم: جاسوسی در فقه شیعه و حقوق موضوعه
۴۹	۳-۱- جاسوسی (تجسس) در فقه شیعه
۴۹	۳-۲- اقسام تجسس
۴۹	۳-۲-۱- تجسس در احوال شخصی مردم
۴۹	۳-۲-۱-۱- تجسس در آیات و روایات
۵۰	۳-۲-۲- جاسوسی به نفع مسلمانان
۵۱	۳-۲-۳- جاسوسی علیه نظام اسلامی
۵۲	۳-۲-۴- حکم جاسوس
۵۳	۳-۲-۴-۱- حکم جاسوس مسلمان
۵۳	۳-۲-۴-۲- حکم جاسوس کافر حربی
۵۴	۳-۲-۴-۱- دعوت به اسلام
۵۵	۳-۲-۴-۲- مصادیق جاسوسی کفار در زمان پیامبر
۵۶	۳-۲-۴-۳- حکم جاسوس کافر ذمی
۵۷	۳-۲-۴-۴- حکم جاسوس معاهد و مستامن
۵۷	۳-۳- جاسوسی به عنوان جرم مرکب از منظر حقوق کیفری
۵۷	۳-۱- جرم جاسوسی در حقوق کیفری
۵۸	۳-۴- جرم سیاسی
۶۰	۳-۵- انگیزه های سیاسی
۶۰	۳-۶- عناصر جاسوسی
۶۰	۳-۶-۱- عنصر قانونی
۶۱	۳-۶-۲- عنصر مادی
۶۱	۳-۶-۳- عنصر روانی
۶۱	۳-۷- مصادیق جرم جاسوسی در قانون مجازات اسلامی

۶۴	۸-۳- جاسوسی رایانه ای
۶۵	۹-۳- مصادیق جاسوسی در قانون جرائم نیروهای مسلح
۶۸	فصل چهارم: خیانت در فقه شیعه و حقوق موضوعه
۶۸	۱-۴- خیانت و ویژگیهای آن از منظر فقه
۶۸	۱-۱-۴- خیانت از منظر فقه
۶۹	۲-۴- پیمان با یهودیان مدینه
۷۰	۱-۲-۴- پیمان شکنی یهود
۷۱	۳-۴- جرم خیانت به کشور در حقوق کیفری
۷۱	۱-۳-۴- خیانت به کشور از دیدگاه حقوقی
۷۳	۴-۴- عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت
۷۳	۱-۴-۴- عنصر قانونی
۷۳	۲-۴-۴- عنصر مادی
۷۳	۳-۴-۴- عنصر روانی
۷۳	۵-۴- شروع به جرم خیانت
۷۴	۶-۴- معاونت در جرم خیانت
۷۴	۷-۴- بررسی جرم خیانت در مواد قانونی
۷۵	۸-۴- تمایز جرم جاسوسی از جرم خیانت به کشور
۷۶	۹-۴- محاکمه جاسوس و خائن
۷۷	۱۰-۴- خیانت در امانت
۷۸	۱۱-۴- وجوب رد امانت
۷۹	۱۲-۴- انواع امانت
۷۹	۱-۱۲-۴- امانت مالکی
۷۹	۲-۱۲-۴- امانت شرعی
۷۹	۱۳-۴- عدم ضمان امین
۸۰	۱-۱۳-۴- شرط ضمان در عقد
۸۰	۱۴-۴- آثار خیانت
۸۱	۱۵-۴- عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت
۸۱	۱-۱۵-۴- عنصر قانونی
۸۱	۲-۱۵-۴- عنصر مادی
۸۱	۱-۲-۱۵-۴- رفتار فیزیکی
۸۲	۲-۲-۱۵-۴- شرایط لازم برای تحقق جرم
۸۲	۳-۲-۱۵-۴- حصول نتیجه
۸۲	۴-۱۵-۴- عنصر روانی
۸۳	۱۶-۴- مجازات خیانت در امانت
۸۳	۱۷-۴- مقایسه جرم خیانت در امانت و کلاهبرداری
۸۴	نتیجه گیری
۸۵	پیشنهاد ها
۸۷	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

جرم خط قرمز دایره اوامر و نواهی شرعی تلقی می‌شود، که تعدی و تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن دستورها و احکام دینی است. این واژه به معنای گناه، خرده، خطا و تعدی بکار رفته است، که جمع آن اجرام و جروم می‌باشد (معین، ۱۳۸۱، ص ۳۴۶). در اسلام فعل منهی عنه و ترک فعل مامور به گناه یا جرم است و جرائم بر پایه چهار مجازات عمده حدود - تعزیرات - قصاص و دیات قرار دارد (بروجردی، ۱۴۲۹، ص ۷). در بین انواع جرایم متعدد و متنوعی که توسط حقوقدانان تعریف و شناخته شده است و محاکم اسلامی نیز برای هر یک از این جرایم متناسب با نوع جرم و میزان آن مجازات تعیین کرده‌اند، جرمی با عنوان جرم مرکب وجود دارد که تعریف خاصی از این نوع جرم به عمل آمده است؛ زیرا این جرم با توجه به تعاریف حقوق دانان متشکل از دو یا چند جزء می‌باشد که برای به نتیجه رسیدن و در نهایت مجازات مرتکب آن باید تمام اجزای این جرم اتفاق بیفتد تا به عنوان جرم مرکب، مجرم قابل محاکمه و مجازات باشد. برخی از مصادیق جرم مرکب که در بحث پیش رو مورد بررسی قرار می‌گیرد، به دلیل مخاطرات و تبعات جبران‌ناپذیری آن، قانونگذار، مرتکب را در همان مرحله شروع به جرم قابل مجازات می‌داند. که در اصطلاح به آن جرم مرکب مطلق گویند. به عبارتی قبل از اینکه این جرم به طور کامل اتفاق بیفتد، مرتکب مجازات می‌شود. اما برخی دیگر از این جرائم تا اجزاء آن جرم به طور کامل انجام نشود، مجازاتی در پی نخواهد داشت که عنوان جرم مرکب مقید به خود گرفته است.

آنچه در بحث حاضر مد نظر است؛ بررسی مصادیقی از جرم مرکب است. یکی از مصادیق بارز این نوع جرم در قوانین موضوعه ایران، کلاهبرداری می‌باشد. با توجه به تعریفی که از جرم مرکب وجود دارد برای اینکه بتوان مرتکب کلاهبرداری را با عنوان کلاهبردار شناخت باید اعمال او منجر به نتیجه نهایی شود. در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، به کیفر و مجازات کلاهبردار اشاره شده است. در این ماده قانونی آمده است هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور... و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال

به صاحبش به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود. در این ماده قانونی فریفتن افراد با توسل به حيله و تقلب، جزئی از جرم را تشکیل می‌دهد و بردن مال که همان نتیجه نهایی این عملیات می‌باشد جزء دیگر این جرم را شامل می‌شود. به عقیده حقوق دانان، معادل کلاهبرداری در متون فقهی واژه احتیال است.

۱-۲ بیان مسأله

یکی از مسائل قابل طرح در متون فقهی و حقوقی، مسأله مرکب بودن برخی از جرائم است. که نه در فقه و نه در قانون به طور صریح اشاره‌ای به آن نشده است. گفته شده جرم مرکب جرمی است که عنصر مادی آن از افعال متنوعی تشکیل شده است. بنا بر این جرم مذکور باید بیش از یک رفتار فیزیکی باشد. مصداق بارز این نوع جرم، کلاهبرداری است. با توجه به تعاریف فقها از احتیال، می‌توان آن را همچون کلاهبرداری در ردیف جرم مرکب قرار داد. اما در متون فقهی موارد و مصادیق دیگری همچون تدلیس مدنی، حيله در ربا، معامله شخص فضول و نیز معامله به قصد فرار از دین وجود دارد. و این سوال مطرح می‌شود که آیا این موارد یاد شده در فقه می‌تواند همچون احتیال در ردیف جرم مرکب قرار گیرند یا اینکه برای مرتکب چنین اعمالی فقط مسئولیت مدنی در نظر گرفته شده است؟ جرم جاسوسی و جرم خیانت به وطن و کشور اسلامی و همچنین جرم خیانت در امانت مالی در فقه و در موادی از قانون اشاره خواهد شد که با توجه به تعریف حقوق دانان از جرم مرکب، همچنین با نگاه به شرحی که از جرم کلاهبرداری در قانون گذشت، می‌توان با دلایلی این دو جرم را مشمول جرم مرکب قرار داد.

اینجا به موادی از قانون اشاره خواهد شد که شامل جرم مرکب می‌باشند اما به صراحت بیان نشده است. به عنوان مثال در ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ چنین آمده است: «هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور با هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسئولان نظام یا مأموران دولت یا به هر نحو دیگر جمع‌آوری کند، چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود». در این ماده قانونی جمع‌آوری اطلاعات از یک سو و در اختیار قرار دادن آن اطلاعات به دیگران، دو فعل جداگانه است که در کنار هم جرمی مرکب را تشکیل می‌دهد، و همچنین در تبصره ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی اینگونه بیان شده است «هرکس بدون اینکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم و کشورهای بیگانه معرفی نماید، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود». در این ماده قانونی نیز مرتکب با انجام دو فعل شناسایی و جذب افراد از یک طرف و در نتیجه معرفی آن افراد به کشور بیگانه جرمی مرکب انجام داده است.

در این مبحث به دو ماده قانونی اشاره شد و در بخش حقوقی مواد دیگری که می‌توانند مشمول جرم مرکب باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند و با دلیل، مرکب بودن جرائمی که در این مواد قانونی وجود دارد، اثبات خواهد شد. اما جرم خیانت به کشور اسلامی نیز همچون جرم جاسوسی هم در فقه و

هم در حقوق کیفری مورد کنکاش قرار خواهد گرفت. موادی از قانون نیز به جرم خیانت به کشور اختصاص دارد، که برخی از آنها را می‌توان با عنوان جرم مرکب لحاظ کرد.

۱-۳ سوالات پژوهش

۱- ماهیت جرم مرکب چیست؟

۲- مصادیق جرم مرکب در منابع فقه شیعه و حقوق کیفری ایران چیست؟

۱-۴ فرضیه‌های پژوهش

۱- تشخیص این نوع جرم از سوی قانون‌گذار در مقایسه با سایر جرایم به دلیل شکل اجرایی جرم که حداقل با انجام دو فعل مجرمانه صورت می‌گیرد، حائز اهمیت است.

۲- با توجه به جرم کلاهبرداری در حقوق کیفری به عنوان تنها مصداق جرم مرکب، احتیال در متون فقهی نیز معادل کلاهبرداری در حقوق آمده است. اما به نظر می‌رسد علاوه بر احتیال می‌توان به مواردی اشاره کرد که جزء جرم مرکب می‌باشند. در قوانین موضوعه ایران علاوه بر جرم کلاهبرداری، می‌توان با دلیل موارد دیگری همچون جاسوسی و خیانت به کشور را در ردیف جرم مرکب قرار داد.

۱-۵ تاریخچه‌ی علمی پژوهش

در رابطه با این موضوع «باز پژوهی مصادیق جرم مرکب (کلاهبرداری، جاسوسی و خیانت) در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران» دو مقاله نوشته شده است، از جمله مقاله‌ای با عنوان: «باز اندیشی در جرم کلاهبرداری به عنوان جرم مرکب». در این مقاله جرم مرکب از منظر حقوق‌دانان مورد بررسی قرار گرفته است، و تنها مصداق این نوع جرم را کلاهبرداری نامیده‌اند. در این مقاله کلاهبرداری جرمی است که از انجام چند فعل متنوع تشکیل شده است و همچنین آمده است: برخی از حقوق‌دانان عنصر مادی جرم کلاهبرداری را شامل دو جزء می‌دانند که یکی توسل به وسایل تقلبی و دیگری تصاحب و بردن مال غیر است و گروهی آن را سه جزء می‌دانند: نخست توسل مرتکب به داشتن سمت یا عنوان یا اختیارات موهوم، به علاوه اقدامات متقلبانه برای فریب طرف مقابل و در نهایت تحصیل مال یا وجه توسط کلاهبردار می‌باشد (امینی و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۳۴-۲۱).

همچنین در پژوهشی دیگر، با عنوان «باز پژوهی جرم مرکب در حقوق کیفری ایران» به جرم مرکب پرداخته شده است و تشخیص جرم مرکب از جرائم ساده را مورد بررسی قرار داده است و چنین آورده‌اند: چنانچه در جرم مرکب برخی اجزاء یا حتی یکی از آنان محقق نگردد آنچه به وقوع پیوسته جرم مرکب نیست (ناتری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۸). علاوه بر عنصر مادی جرم مرکب عنصر روانی آن نیز مهم است. در این دو مقاله چنانچه، به آن اشاره شد جرم مرکب از منظر حقوق کیفری مورد بحث

قرار گرفته است که تنها مصداق آن کلاهبرداری است. در متون فقهی نیز کلاهبرداری یا «احتیال» را می‌توان با توجه به تعاریفی که فقها از آن ارائه داده‌اند، جزء جرم مرکب دانست. اما در ادامه بحث چنانچه، قبلاً نیز به آن اشاره شد جرایمی همچون جاسوسی و خیانت به کشور را می‌توان هم در متون فقهی و هم در برخی از مواد قانونی جزء جرم مرکب قرار داد در فقه شیعه مرتکبین جاسوسی (تجسس) و خیانت به وطن مشمول مجازات‌هایی همچون تعزیر و در برخی موارد مجازات حد می‌شدند. در فصول آتی این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرند. این جرائم یاد شده در فقه و حقوق به عنوان جرم مرکب شناخته نشده است اما با توجه به تعاریفی که از این جرائم در متون فقهی و حقوقی وجود دارد می‌توان آنها را جزء جرم مرکب قلمداد کرد. همچنین به بررسی جرم خیانت در امانت مالی در فقه و حقوق پرداخته می‌شود.

۱-۶ اهداف پژوهش

- ۱- بررسی جرم مرکب در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران.
- ۲- یافتن ریشه فقهی جرم مرکب و مقایسه اجمالی این مبحث با جرم مرکب در حقوق کیفری ایران. هدف از این پژوهش آن است که علاوه بر نگاهی به جرم مرکب در حقوق موضوعه ایران و نیز تحقیق در مورد مصادیق این نوع جرم جایگاه این جرم و مصادیق آن در فقه شیعه بررسی و موارد فقهی جرم مرکب مشخص گردد.

۱-۷ روش پژوهش

روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت، روش بنیادی، توصیفی و تحلیلی است.

۱-۲ مفهوم جرم

۱-۱-۲ جرم در لغت

جرم از ماده «جَرَمَ» بر وزن «ضَرَبَ» است؛ به معنای «تعدی کردن و گناه و معصیت». معنای دیگر آن «قطع کردن» می‌باشد و آوردن این معنا به خاطر آن است که جرم سبب قطع عمل واجب الوصول می‌شود. بنابراین گناهکاران را مجرم گویند؛ زیرا عمل صالح را قطع می‌کنند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۳۱). در یکی از کتاب‌های لغوی نیز چنین آمده است: أصل الجرم به معنای قطع میوه از درخت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۲). در معنای «الجرم» سه قول است قطع، حمل و کسب، اما جرم فقط یک معنا دارد و آن قطع است و گناه را بدان سبب جرم گویند، که شخص را از سعادت و رحمت خدا دور می‌کند و گنهکار را مجرم می‌گوییم، زیرا در اثر گناه خود را از رحمت و راه صحیح انسانیت قطع می‌کند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۸).

در برخی از آیات قرآن نیز واژه جرم یا جریمه و مشتقات آنها مترادف با گناه در همان معنای لغوی بکار رفته است. به عنوان مثال در آیه ۷۴ سوره مبارکه طه «مجرماً» به معنای گنهکار بکار رفته است، در معنای این آیه شریفه چنین آمده است: مسلماً کسی که گنهکار به پیشگاه پروردگارش بیاید دوزخ برای اوست ...^۱ و یا در آیه ۱۱ سوره معارج می‌فرماید: ... گنهکار آرزو می‌کند ای کاش برای نجاتش می‌توانست فرزندانش را در برابر عذاب آن روز عوض دهد.^۲ در آیه ۲۱۹ سوره مبارکه بقره از «اِثم» به معنای گناه سخن گفته است. خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: در باره شراب و قمار از تو (پیامبر) می‌پرسند بگو: در آن دو هم گناهی بزرگ و هم سودهایی برای مردم است و گناه هر دو، از سودشان بیشتر است ...^۳

۲-۱-۲ جرم از دیدگاه فقها و حقوقدانان

برخی از فقها در مورد جرم معتقدند «جرم در فقه اسلامی همان اثم و گناه به حساب می‌آید» (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷، ص ۶۹). در معنای اصطلاحی «اِثم» از نظر فقها، باید گفت «اِثم آن چیزی است که خداوند سبحان از آن نهی کرده، خواه گناه صغیره، خواه گناه کبیره باشد. و اِثم ترک هر آنچه که واجب است، و انجام هر آنچه که حرام است و گناه و سرکشی را گویند. اِثم شامل همه گناهان و تمام مقدمات گناه می‌شود» (بجنوردی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹). یکی دیگر از فقها نیز چنین آورده است: در اسلام فعل منهی عنه و ترک فعل مامور به «گناه یا جرم» است که بعضی از گناهان کفاره دارد و بعضی دیگر کفاره ندارد (بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۳۱، ص ۷).

در اصطلاح حقوقی نیز واژه جرم در ماده ۲ ق. م. ا مصوب سال ۱۳۹۲ این گونه تعریف شده است «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». جامعه‌شناسان نیز معتقدند که جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند، جرم محسوب می‌شود. (دورکیم به نقل از دانش، تاج زمان، ۱۳۶۸، ۴۶). از سوی جرم‌شناسان چند تعریف مشخص از جرم ارائه شده که به طور اختصار به آنها اشاره می‌شود جرم تجاوز به حق و وظیفه است؛ جرم عملی قابل مجازات است؛ جرم عملی علیه آزادی فرد است؛ جرم عملی برخلاف قانون است؛ جرم عملی خلاف قانون و اخلاق است؛ جرم عملی ضد اجتماعی است؛ جرم لطمه به وجدان و اخلاق است (مظلومان، ۱۳۵۶، صص ۱۵ - ۳۳).

^۱. «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ». (طه / ۷۴).

^۲. «... يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ». (معارج / ۱۱).

^۳. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ...». (بقره / ۲۱۹).

۲-۲ نسبت جرم و اثم

با وجود اینکه برخی معتقد به نسبت تساوی بین جرم و اثم هستند (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷، ص ۶۹). اما با توجه به حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که هر چند در حقوق غرب از سال ۱۸۷۶ توسط سزار بکاریا در کتاب جرایم و مجازات‌ها بیان گردیده است، در حقوق اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش در آیات و روایات و احادیث بیان گردیده است و همچنین با نظر به اینکه برای بسیاری از گناهان مثل دروغ، کینه، حسد، سوء ظن، خودکشی و ... مجازاتی در قوانین موضوعه صورت نگرفته است بنابراین از لحاظ حقوقی هر گناهی جرم محسوب نشده و رابطه‌ی تساوی بین جرم و اثم مردود می‌باشد. چرا که اگر بپذیریم رابطه‌ی تساوی برقرار است قلمرو جرایم و مجازات‌ها گسترش پیدا کرده و باعث می‌شود جرایمی که در شرع گناه محسوب نشده را گناه حساب کرده یا بالعکس گناهی که در قانون جرم محسوب نشده را مشمول جرایم قرار دهیم. در این صورت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی که از آثار اصل قانونی بودن جرایم می‌باشد نادیده گرفته خواهد شد. بنابراین حق با آن دسته از حقوقدانانی است که رابطه بین این دو مورد را عموم و خصوص من وجه می‌دانند (گرگی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۸۶). چرا که در این صورت هر یک از این اصطلاحات در جای خود بکار گرفته شده، بدون اینکه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نادیده گرفته شود؛ زیرا بعضی از گناهان جرم هستند. مثل: سرقت، کلاهبرداری، قتل، امساک در قتل، ضرب و جرح و ... بعضی از گناهان جرم نیستند. مثل: خودکشی، حسد، سوءظن، دروغ گفتن و ... بعضی از جرایم گناه هستند. مثل: قتل، زنا، دزدی ... و از طرفی بعضی از جرایم گناه محسوب نمی‌شوند. مثل: قتل خطئی، خروج غیر مجاز از مرز، ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت ماهواره و ...

۲-۳ جرم در آیات قرآن

آیاتی وجود دارد که به نوعی در مورد جرم سخن گفته است، مانند آیه ۴۵ سوره مائده که می‌فرماید و ما در تورات بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که در قانون قصاص جان در برابر جان و چشم در مقابل چشم و بینی به عوض بینی و گوش به جای گوش و دندان در برابر دندان، و زخم‌ها را قصاصی است و هر که از آن قصاص گذشت کند پس از آن گذشت کفاره ای برای اوست و آنانکه بر طبق آنچه خدا نازل کرده دآوری نکنند به یقین ستمکارند.^۱

در آیه ۴ سوره مبارکه نور آورده است کسانی که زنان عقیفه پاکدامن را به زنا متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند به آنان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز شهادتی را از آنان نپذیرید و اینان هستند که در حقیقت نافرمانند.^۲

۱. «وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (مائده / ۴۵).

۲. «وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (نور/ ۴).

در آیه ۳۳ سوره مبارکه اسراء نیز آمده است کسی که خداوند کشتنش را حرام کرده، جز به حق نکشید و هرکس مظلوم کشته شود برای وارثش تسلطی برای قاتل قرار داده‌ایم. پس وارث مقتول در کشتن نباید زیاده روی کند؛ زیرا او مورد حمایت قرار گرفته است.^۱

همچنین آیه ۳۳ سوره مائده بیان می‌دارد کیفر آنان که با خدا و پیغمبرش می‌جنگند و در زمین به فساد و تباهی می‌کوشند فقط این است که کشته شوند یا به دارشان آویزند یا دست راست و پای چپشان بریده شود یا از وطن خود تبعیدشان کنند. این برای آنان خواری در دنیاست و برای ایشان در آخرت عذابی بزرگ است.^۲

در آیه ۳۸ سوره مائده نیز اشاره دارد به اینکه دست زن و مرد دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده‌اند به عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید و خدا توانای شکست‌ناپذیر است.^۳

۲-۴ عناصر تشکیل دهنده جرم

برای جرم سه عنصر قانونی، مادی و روانی ذکر شده است. و برای اینکه مرتکب جرم مشمول مجازات قرار گیرد، باید جرم وی از این سه عنصر تشکیل شده باشد؛ یا به عبارت دیگر اگر یکی از این سه عنصر وجود نداشته باشد، مرتکب به عنوان مجرم مجازات نمی‌شود.

۲-۴-۱ عنصر قانونی جرم

برخی از حقوق‌دانان این عنصر را اینگونه تعریف کرده‌اند، قانون فعل یا ترک فعلی را تحت عنوان جرم قانونگذاری و مجازات آن را بیان کرده است و تا زمانی که قانون درباره فعل یا ترک فعلی چنین نکرده باشد عنصر قانونی جرم تحقق نیافته است (فیض، ۱۳۷۳، ص ۸۳؛ اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۰). در متون فقهی انجام فعلی همچون سرقت با شرایطی که برای وقوع آن در نظر گرفته شده است، جرم می‌باشد و سارق نیز مجازات حد بر او اجرا می‌شود. بنابر این از شرایط ثبوت حد سرقت در شرع، آن است که، دزدیدن مال از حرز^۴ باشد، به یک چهارم دینار یا بیشتر برسد، یا اینکه هر چیزی غیر از مال که قیمت آن به این اندازه باشد، موجب مجازات حد برای سارق می‌شود. اما اگر از غیر حرز دزدی شود، حد ثابت نمی‌گردد (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۱۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۲۶۱).

اما اگر دو شریک از حرز سرقت کنند، به این صورت که یکی حرز را بگشاید و دیگری مال را بردارد، بر هیچ کدام حد جاری نمی‌شود. البته هر دو ضامن‌اند؛ اولی ضامن خسارت وارد آورده به حرز و دومی ضامن مالی که برداشته است. در صورت مشارکت داشتن هر دو در گشودن حرز و برداشتن

۱. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء / ۳۳).

۲. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده / ۳۳).

۳. «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده / ۳۸).

۴. حرز مکانی امن و مطمئن است که از چشم اشخاص مخفی می‌باشد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۶۰).

مال، در اینکه بر هر دو حد جاری می‌شود یا بر هیچ کدام جاری نمی‌گردد، اختلاف است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، صص ۴۸۷-۴۷۶).

حد سرقت را که به عنوان یک مثال در مطلب بالا ذکر شد، می‌توان به گونه‌ای عنصر شرعی بیان کرد؛ به این معنا که جرمی همانند سرقت تا شرایط وقوع آن مهیا نشود، شارع مقدس نیز مرتکب آن را به عنوان مجرمی که قابل مجازات باشد؛ معرفی نمی‌کند.

۲-۴-۲ عنصر مادی جرم

در مورد عنصر مادی جرم چنین آمده است صرف قصد گناه و معصیت و جرم برای اثبات جرم کافی نیست، بلکه مجرم علاوه بر قصد، باید آن را به عرصه ظهور برساند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۵۳). انجام افعالی همچون قتل، سرقت، عدم شهادت و مواردی مشابه این افعال در فقه می‌تواند عنصر مادی جرم را تشکیل دهند. یعنی وقوع این جرائم به عنوان یک رفتار مجرمانه باید در خارج انجام گیرد. چنانچه در این باره آمده است، عنصر مادی جرم تحقق خارجی یک اقدام خلاف قانون است که می‌تواند به شکل فعل مانند «سرقت» و «قتل»، ترک فعل مانند خودداری از مداوای بیمار، ترک انفاق واجب، سخن گفتن مانند: اهانت کردن و دشنام دادن یا سخن نگفتن مانند: خودداری از شهادت که موجب اشتباه حق از ناحق شود و نیز، نگهداری برخی از اشیاء مانند اسلحه غیر مجاز و... صورت گیرد. اما فکر مجرمانه تا زمانی که در خارج تحقق پیدا نکند جرم را بوجود نمی‌آورد (نوربها، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۸۷-۱۸۴؛ فیض، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۷۳).

۲-۴-۳ عنصر روانی جرم

هنگامی که شخص اراده ارتکاب عملی خلاف را داشته باشد، عنصر روانی یا معنوی جرم را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال: در قتل عمد، قاتل باید عامد و قاصد باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۵۳). یکی دیگر از فقها قصد رفتار مجرمانه را عنصر روانی می‌داند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۶۲). برخی از حقوقدانان، قصد مجرمانه را مرادف با «سوء نیت» دانسته‌اند (علی آبادی، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۲). عنصر روانی همان قصد مجرمانه یا خطایی است که مجرم در اثر آن جرم را مرتکب می‌شود، و با شرایطی مسئولیت جزایی متوجه او خواهد بود (فیض، ۱۳۷۳، صص ۸۴؛ صانعی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰۸؛ اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۳).

آنچه از تعاریف فقها و محققان بر می‌آید آن است که عمد و قصد داشتن یکی از ارکان و عناصر اصلی یک عمل مجرمانه قلمداد می‌شود. چنانچه بدون این عنصر مرتکب مستحق مجازاتی در شرع و قانون نخواهد بود؛ هر شخص در اسلام که مرتکب جرمی شود مسئول اعمال خویش است، اما این مسئولیت تنها بر عهده افرادی است که دارای شرایط ویژه باشند، تا مورد خطاب شارع قرار گیرند. به همین دلیل در فقه اسلام مسئولیت بر عهده انسان بالغ و عاقل و مختار و قاصد است و با توجه به حدیث رفع این مسئولیت جنائی از عده ای برداشته شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۲۶۲).

۲-۵ انواع جرم

۲-۵-۱ جرم آنی (فوری) و جرم مستمر (مداوم)

جرم آنی را اینچنین تعریف کرده اند فعل یا ترک فعلی است که طی یک لحظه و مدت کوتاه و محدود به وقوع می‌پیوندد. مانند: قتل و ضرب و جرح و سرقت (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶).

جرم مستمر یا مداوم نیز به جرمی گفته می‌شود که قابل تجدید و استمرار است؛ یا به عبارت دیگر جرمی است، که در یک لحظه و مدت کوتاه تحقق نیافته است، بلکه لازمه تحقق آن استمرار مادی آن در زمان است؛ به عبارت دیگر استمرار جرم، ناشی از اراده و عزم مرتکب، به گونه‌ای است که در هر لحظه جرم با تمام عناصر تشکیل دهنده آن تکرار می‌شود و سوء نیت فاعل هر آن تجدید می‌شود، مثل: استفاده غیر مجاز از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات. (اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۱۳؛ گلدوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۴).

چنانچه در ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است: هر کس بدون مجوز، و به صورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها، مدال‌ها، یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد، در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد و در صورتی که از این عمل خود سوء استفاده کرده باشد، به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

۲-۵-۲ جرم به عادت (اعتیادی)

در مورد این نوع جرم یکی از فقها چنین گفته است: هرگاه قاتل مسلمان، عادت به قتل اهل ذمه داشته باشد، امام می‌تواند به صلاحدید خود قاتل را به پرداخت دیه کامل مسلمان یا پرداخت چهار هزار درهم مازم کند. ایشان بر این سخن خود به روایت موثقه سماعه استدلال کرده است.^۱ از امام صادق (ع) درباره قتل ذمی توسط مسلمان سوال شد، ایشان فرمودند: این، کار سختی است. مردم آن را تحمل نخواهند کرد. بنابراین، باید به اولیای او دیه فرد مسلمان پرداخته شود تا از کشتن مردم و کشتن اهل ذمه جلوگیری شود (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۷۰).

در مورد این نوع جرم، محققان و حقوقدانان تعاریف مشابهی ارائه داده‌اند. در تعریف این جرم آمده است: جرم اعتیادی جرمی است، که از تکرار چند عمل مشابه تشکیل می‌شود، که هر یک به تنهایی جرم نیست، ولی چنانچه تکرار شود، مجموع آن جرم تلقی می‌شود. مانند تکدی گری و ولگردی (رسولیان، ۱۳۸۸، ص ۴۳؛ اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۳۲). در جرم به عادت یکبار ارتکاب یافتن قابل مجازات تلقی نمی‌شود، بلکه تحقق آن منوط به تکرار حداقل دو بار آن است (حجتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۰).

^۱ «عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمُسْلِمِ قَتَلَ ذَمِيًّا - فَقَالَ هَذَا شَيْءٌ شَدِيدٌ لَا يَحْتَمِلُهُ النَّاسُ - فُلْيُعْطِ أَهْلَهُ دِيَةَ الْمُسْلِمِ - حَتَّى يَنْكُلَ عَنْ قَتْلِ أَهْلِ السَّوَادِ وَ عَنِ قَتْلِ الذَّمِيِّ».